

داستان بی پایان: دمکراسی و صلح*

تاریخ ارائه: ۸۰/۱/۲۹ تاریخ تصویب: ۸۰/۶/۱۹ نویسنده: میریام فندیوس المان
مترجم: شهروز ابراهیمی

کلید واژه‌ها

دمکراسی، صلح، دمکراتیک، صلح لیبرال، جنگ لیبرال، نظم‌های منطقه‌ای، دولت‌گرا، ملت‌گرا

چکیده

در این مقاله با بررسی و نقدسه کتاب آشنا می‌شویم که به موضوع ارتباط صلح و دمکراسی پرداخته است و این فرضیه مورد کنکاش قرار گرفته که کشورهای دمکراتیک و لیبرال هرگز با یکدیگر نمی‌جنگند. مترجم در مقدمه خود به ابهامات این فرضیه پرداخته است و تک عاملی کردن رخدادهایی چون صلح و جنگ را رد می‌کند. با بررسی این سه کتاب به سه دیدگاه برمی‌خوریم که عدم اجماع در فرضیه فوق را نشان می‌دهد به نحوی که اسپنسر ورت بیشترین، سالیگن کمترین طرفداری را از فرضیه فوق کرده‌اند و جان اوئن در بین این دو موضع قرار دارد.

مقدمه مترجم

نوشتار زیر دربارهٔ موضوع "صلح دمکراتیک" است که نویسنده در آن به بررسی سه کتاب تحت عناوین "صلح لیبرال، جنگ لیبرال" جان اوئن، "نظم‌های منطقه‌ای در آغاز قرن" اتل سالیگن و "جنگ هرگز" اسپنسر ورت می‌پردازد. موضوع صلح دمکراتیک از

* Mirian Fenduis Elman, *The Never - Ending Story : Democracy and Peace, Review Essay* (International Studies Association Published by Blackwell Publishers 1999), pp.87-103.

موضوعات مجادله برانگیز در روابط بین‌الملل است و اتفاق نظری بین پژوهشگران روابط بین‌الملل درباره این موضوع وجود ندارد. فرضیه آن این است که: «کشورهای دموکراتیک و لیبرالی هرگز با یکدیگر به جنگ نمی‌پردازند و تعارضهای احتمالی آنها به طور مسالمت‌آمیز حل و فصل می‌گردد». بر این اساس این موضوع یک ویژگی تجویزی و هنجاری دارد؛ هواداران این نظریه بخصوص لیبرالها و نئولیبرالها بر این اعتقادند که کشورها هر اندازه به سوی ساختارهای دموکراتیک حرکت نمایند و هر اندازه ایده‌ها و نهادهای مرتبط با دموکراسی توسعه یابد به همان اندازه نیز محیط بین‌المللی از امنیت بیشتری برخوردار می‌شود و جنگ و تعارض نیز محدود خواهد شد.

اما این موضوع و فرضیه آن، ابهامات زیادی دارد. اول اینکه دارای "خطای تک عاملی" است. در حوزه بین‌الملل اکثر پدیده‌ها و رخدادها بویژه صلح و جنگ علل متعددی دارند و آنها را نمی‌توان تنها به یک عامل محدود نمود. بنابراین، طرفداران جدی صلح دموکراتیک همواره در ارائه و اثبات فرضیه خویش با مشکل مواجه هستند. انبوهی از انتقادات مثل انتقادات نئورئالیست‌ها و رئالیست‌ها که توزیع قدرت و ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را از عوامل مهم عدم امنیت و وقوع جنگ می‌دانند و نیز تکوین‌گرایان (Constructivists) که مناسبات دولتها و ائتلافات را موجد آنارشی نظام بین‌المللی می‌دانند، همگی حاکی از مشکل اثبات این فرضیه است. دوم اینکه تاریخ عملی روابط بین‌الملل همواره شاهد تعارضها و منازعاتی بوده است که این موضوع را با تردید مواجه می‌سازد؛ مانند تعارضات و منازعات بین آلمان - فرانسه، انگلیس - آمریکا، اسپانیا - آمریکا و غیره. سوم اینکه، خود تعریف مفهوم دموکراسی و تبیین پدیده صلح دموکراتیک مباحثه‌آمیز است. و بالاخره اینکه این موضوع احتمالاً ارزشی است و بشدت به ایستارهای ارزشی و محیطی محققان گره خورده است.

همان‌گونه که ذکر شد، بین محققان در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد. سه کتاب بررسی شده بخوبی این عدم اجماع را نشان می‌دهد. اگر این سه کتاب کنار هم گذاشته شوند و مطالعه گردند تصویر مناسبی از موضوع صلح دموکراتیک ارائه خواهند داد. سه کتاب بررسی شده طیفی از بیشترین طرفداری تا کمترین طرفداری از صلح دموکراتیک را دربردارند. از این میان، اسپنسر ورت طرفداری بیشتری نشان داده، سائینگن کمترین طرفداری به عمل آورده و جان اوئن مابین این دو موضع قرار گرفته است.

رہیافت ورت "هنجاری - فرهنگی" است. هدف اصلی او نشان دادن این است که چگونه تفسیر هنجاری - فرهنگی او از صلح دموکراتیک - دموکراتیک و الیگارشیک - الیگارشیک مقدم بر دیگر رهیافتهای صلح دموکراتیک مثل رهیافت "انتخاب عقلانی - نهادگرایی" است. ادعای او این است که «نه تنها دموکراسیهای ناب او همچنین الیگارشیها تقریباً همواره از جنگ با یکدیگر اجتناب نموده‌اند بلکه آنها هرگز با یکدیگر نخواهند جنگید». تأکید او بر این نکته که صلح دموکراتیک "یا همه یا هیچ" است، در واقع تلاش و تبلیغی در جهت ارائه یک "قانون عمومی" برای تاریخ است. از نظر وی رهبران جمهوریها به پذیرش عقاید و رویه‌های مباحث عمومی، مدارا و تساهل در اختلاف عقاید سیاسی و تطبیق دایمی و استفاده از شهروندان و مشارکت دادن آنها در قلمرو مباحث و مجادلات تمایل دارند و این امر به نتایج غیرخوشونت‌بار و راه‌حلهای رضایت‌بخش منجر می‌گردد. کتاب "جنگ هرگز" وی مصادیقی از یونان باستان، سوئیس قرن ۱۴، ایتالای دوره رنسانس، روابط خارجی ایالات متحده در طی قرون ۱۹ و ۲۰ و مواردی از این قبیل را دربرمی‌گیرد.

سالینگن در کتاب "نظمهای منطقه‌ای" خود کمترین طرفداری از صلح دموکراتیک را به عمل آورده است. به اعتقاد وی "دموکراسی" هرچند شرط لازم صلح است ولی شرط کافی نیست. از نظر وی نه "دموکراسی" بلکه "ترجیحات آزادسازی اقتصادی" است که موجب همکاری وسیع منطقه‌ای می‌گردد. پس تفسیر سالینگن نه "فرهنگی" بلکه "اقتصادی" و بر محور "ائتلافات منطقه‌ای" است. او معتقد است که برای ائتلافات سیاسی، شایسته است که از آزادسازی اقتصادی داخلی برای پیگیری همکاریهای منطقه‌ای طرفداری شود؛ زیرا سیاستهای خارجی معتدل و میانه‌رو، منابع داخلی را آزاد می‌گذارد و بیشتر ضامن حمایت بین‌المللی در شکل دسترسی به بازارهای جهانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. با وجود این ائتلافات "دولت‌گرا - ملت‌گرا" انگیزه کمتری برای عملکرد مسالمت‌آمیز دارند؛ به این سبب که استراتژیهای همکاری جویانه، منابع حمایت داخلی آنها را به تحلیل می‌برد. از نظر وی، دولتها دوستان و دشمنان منطقه‌ای خود را براساس نوع رژیم (آنچنان که ورت می‌گوید) انتخاب نمی‌کنند و همچنین سمت‌گیریهای رهبران به سادگی از ساختارهای رژیم ناشی نمی‌شود، بلکه به اعتقاد او "نوع رژیم" صرفاً یک متغیر واسط در تعامل با دیگر عوامل مهم در ایجاد

تمایلات جنگ طلبانه است. از نظر وی دموکراسی همواره موجد صلح نیست. به اعتقاد وی همکاریهای منطقه‌ای ارتباط کمتری با نوع رژیم دارد تا با اینکه چه کسی در رژیم، حکومت را در دست دارد. برخلاف ورت، سالینگن مطرح می‌کند که انطباق نزدیک بین رفتار داخلی و خارجی دولتها چندان ضرورت ندارد؛ یعنی دولتهای بد همواره در سطح وسیعی بد عمل نمی‌کنند، بلکه برعکس رهبران غیردموکراتیک ممکن است در سطح گسترده‌ای به طور مسالمت‌آمیز عمل نمایند. به این سبب که آنها ممکن است نگران رقبای داخلی خودشان باشند؛ نیروی نظامی آنها از کارآیی لازم برای اقدام به جنگ برخوردار نباشد، و بالاخره اینکه ممکن است کمکهای اقتصادی بین‌المللی جهت سرکوب رقبای سیاسی داخلی آنها اهمیت حیاتی داشته باشد. در نتیجه اینکه از نظر وی کشورهای غیردموکراتیک لولوهای غیرقابل اجتنابی نیستند که مفروضات تئوری صلح دموکراتیک آنها را به کنار بگذارد.

هرچند بحث ائتلافی سالینگن بر شالوده رهیافت انتخاب عقلانی (rational choice) قرار دارد، ولی مغایر با رهیافت تکوین‌گرا نیست. همانند تکوین‌گرایان معتقد است که آنارشی، مشخص‌کننده یک جهان تعارض‌آمیز نیست، بلکه آنارشی چیزی است که ائتلافات آن را به وجود می‌آورد. به نظر سالینگن حتی یک ائتلاف بین‌المللی ممکن است مجبور به کنار گذاشتن استراتژیهای منطقه‌ای همکاری‌جویانه بشود.

تفسیر جان اوئن در کتاب "صلح لیبرال، جنگ لیبرال" رودرروی تفسیر ورت (تفسیر فرهنگی) قرار می‌گیرد. هرچند تفسیر اوئن برعکس تفسیر ورت از صلح دموکراتیک، "تفسیری نهادی - ساختاری" است، ولی با این حال او معتقد است که هر دوی این تفاسیر به موازات هم عمل می‌کنند و مکمل یکدیگرند. اهمیت "ایده‌های لیبرال" آن است که "نهادهای لیبرال" برای به تحقق رساندن و به فعلیت رساندن این ایده‌ها عمل می‌نمایند. اوئن بیان می‌کند که همین که بتوانیم اهمیت "پنداشتها (Perceptions)" را تشخیص دهیم و از تعاریف مطلق و دلخواهانه "لیبرالیسم" و "دموکراسی" بپرهیزیم، بزرگترین "خلاف قاعده‌های بالقوه (Potential Anomalies)" می‌تواند به کنار گذاشته شود. بنابراین، آنچه که نمونه‌هایی از جنگ دموکراسیها با یکدیگر به نظر می‌رسد، ضدنمونه‌های ناب نیست؛ چرا که تقریباً در همه این بحرانها (بحرانهای بین دموکراسیها)، نخبگان لیبرال از یک طرف، یا دو طرف درگیر، نظام سیاسی طرف دیگر را به مثابه [نظام]

لیبرال نپنداشته‌اند. اما اوئن همچنین به طور صریح شرایط و مقتضیاتی را طرح می‌کند که تحت آنها شرایط صلح لیبرال نقض شده‌است. او کاملاً برخی از مصادیق تاریخی را از این حیث قبول می‌کند، بویژه مواردی که لیبرالها با فشارهای افراطی برای تمامیت ملیشان مواجه شده‌اند. این موارد در واقع هشدار به آنهاست که از "قانون" صلح لیبرال بحث می‌کنند.

نکته دیگر در زمینه بررسی این سه کتاب این است که آنها را باید در یک زمینه گسترده و نه صرفاً در بستر صلح دموکراتیک مطالعه نمود. کتاب اوئن کمک شایان توجهی به فهم ما از سیاست خارجی آمریکا می‌کند که برای مورخان بین‌المللی می‌تواند جذاب باشد. کتاب نظمهای منطقه‌ای سالینگر به تشریح سازوکارهای علی می‌پردازد که یک اقتصاد جهانی همگرا را با صلح منطقه‌ای مرتبط می‌کند و به شکاف بین اقتصاد سیاسی بین‌المللی و مطالعات امنیتی پیوند می‌زند. کتاب "جنگ هرگز" ورت یک مطالعه گسترده و عمیق روابط بین‌الملل، از یونان باستان تا اروپای بعد از جنگ سرد را دربردارد. نکته دیگر اینکه هر سه کتاب مشابهت‌هایی دارند. اول اینکه از نظر سه محقق، موضوعات سیاسی داخلی را نمی‌توان بدون "گشوده شدن جعبه سیاه دولت‌ها" فهمید. دوم اینکه کتابهای اوئن و ورت از دوره‌های قبل از جنگ سرد بحث می‌کنند. از نظر ورت ارتباط بین دموکراسی و صلح دایمی امر جدیدی نیست و از نظر اوئن قدمت آن به زمانی می‌رسد که مردم، نهادهای دولت خود را به صورت لیبرال تعریف و مشخص کردند. سوم، هر سه کتاب از "دوگانه‌های" تئوری صلح دموکراتیک و نه از "تک‌گونه" آن صحبت می‌کنند. چهارم نویسندگان، "دموکراسی" و "لیبرالیسم" را به مثابه مفاهیم "زمینه‌ای" یا "ساختاری (Contextual)" به طور تاریخی در نظر می‌گیرند. از نظر اوئن و ورت آنچه اهمیت دارد درک و پنداشت از مفاهیم دموکراسی و لیبرالیسم در طول زمانها و فرهنگهای گوناگون است و نه تعریف، دلخواهی پژوهشگر از این مفاهیم. و بالاخره اینکه مطالعات موردی هر سه نویسنده کیفی است و از روشهای اختلاف و توافق، بُرهان خُلف، روش سنخیت و پیگیری فرآیند استفاده می‌کنند.

این سه کتاب^(۱) بروشنی شرح می‌دهند که پژوهش بر له و علیه صلح دموکراتیک به

وضعیتی رسیده است که آن را در موقعیتی مساوی و هم‌تراز با دیگر حوزه‌های پژوهش در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد. به طور قطع، این سه کتاب را می‌توان با یک زمینه وسیعتری و نه صرفاً به طور ساده پیرامون موضوع صلح دمکراتیک مطالعه نمود. کتاب "صلح لیبرال، جنگ لیبرال" اوئن،^(۲) کمک شایان توجهی به فهم ما از سیاست خارجی آمریکا نموده و برای مورخان دیپلماتیک که تنها اخیراً به پژوهش رفتار بین‌المللی آمریکا در دوره قبل از جنگ جهانی اول پرداخته‌اند، می‌تواند جالب توجه بوده باشد.^(۳) کتاب "نظم‌های منطقه‌ای"^(۴) سالیگن اشارات بزرگی دارد: این کتاب به تشریح سازوکارهای علی که یک اقتصاد جهانی همگرا را با صلح منطقه‌ای مرتبط می‌کند پرداخته و به شکاف بین اقتصاد سیاسی بین‌المللی و مطالعات امنیتی پیوند می‌زند. و کتاب "جنگ هرگز"^(۵) ورت که صریحاً به تئوری صلح دمکراتیک مبادرت می‌کند، یک چشم‌انداز عمیق روابط بین‌الملل از یونان باستان تا اروپای بعد از جنگ سرد به دست می‌دهد. با این حال، هر یک از این سه کتاب کمک مهمی به فهم ما از تنوع موضوع صلح دمکراتیک می‌نمایند. این کتابها، بویژه وقتی اهمیت پیدا می‌کنند که کنار یکدیگر گذاشته شوند، چون آنها در طیفی قرار دارند که از بیشترین حمایت تا کمترین حمایت از صلح دمکراتیک را در بر می‌گیرند.

ورت طرفداری بیشتری از صلح دمکراتیک به عمل می‌آورد. او بیشتر و بالاتر از بسیاری از دیگر مدافعان صلح دمکراتیک پیش می‌رود که به گزاره‌های احتمال‌گرایی تن می‌دهد و بر اساس آن استثنائات اتفاقی از قاعده، تصدیق می‌شود. وی معتقد است که «دمکراسی‌های ناب»^{*} [و همچنین الیگارشیها] نه تنها تقریباً همواره از جنگ با یکدیگر اجتناب ورزیده‌اند بلکه آنها [در آینده] هم هرگز هم با یکدیگر نخواهند جنگید.^(۶) ورت موضوع "صلح دمکراتیک" را از یک ادعای احتمال‌گرا (یعنی، جفتهای دمکراتیک تمایل کمتری به جنگ با یکدیگر دارند، و نیز هنجارها و ساختارهای دمکراتیک، احتمال به‌کارگیری زور علیه یکدیگر را کاهش می‌دهد)، به یک اصل محکم و سخت تغییر داده است. اصرار و تأکید او بر این نکته که صلح دمکراتیک "یا همه یا هیچ" است، در واقع تلاش و تبلیغ او جهت ارائه یک "قانون عمومی" برای تاریخ است.^(۷)

سالیگن (برعکس ورت) کمترین طرفداری از این موضوع یعنی صلح دمکراتیک را

* genuin democracies

به عمل می آورد. او معتقد است که دمکراسی از شرایط لازم برای صلح است ولی شرط کافی نیست. در هر مکانی که جفتهای دمکراتیک با یکدیگر در مناطق معینی روبه‌رو شده‌اند، آنها به همکاری کمتری از آنچه که مورد انتظار بود، پرداخته‌اند. از نظر سالیکن، نه دمکراسی بلکه ترجیحات آزادسازی اقتصادی، موجب همکاری وسیع منطقه‌ای می‌گردد. به نظر وی انبوهی از شواهد تجربی نشان می‌دهد که سازگاری و ناسازگاری نوع رژیم ارتباطی با فهم اینکه چرا و چه زمانی صلح منطقه‌ای به منصف ظهور می‌رسد، ندارد.^(۸)

برعکس ورت، مطالعات سالیکن نشان می‌دهد که تغییرات در نوع رژیم به تغییرات مشابه در سطح همکاری منطقه‌ای یا تعارض منطقه‌ای منجر نمی‌گردد.^(۹) در حالی که ورت معتقد است سراسر تاریخ روابط دوستانه، تابعی از موفقیت یا عدم موفقیت در تأسیس حکومت جمهوری بوده (ص ۵۱) و اینکه از نظر او تصمیم برای اقدام به جنگ یا صلح ناشی از تغییرات رژیم بوده است (ص ۵۲).

برعکس ورت، یافته‌های سالیکن نشان می‌دهد که دولتها، دوستان و دشمنان منطقه‌ای خود را بر اساس نوع رژیم (آنچنانکه ورت می‌گوید) انتخاب نمی‌کنند و همچنین سمت‌گیریهای رهبران بسادگی از ساختارهای رژیم استنتاج نمی‌شود. او می‌گوید که نگرش مردم‌سالاری* می‌تواند باعث افزایش مشروعیت آزادی‌خواهان و آزادسازی اقتصادی گردد و الگوهای ائتلافات بین‌الملل‌گرا** را تقویت کند (صص ۱۱۲، ۱۵۷). ولی از نظر وی نوع رژیم صرفاً یک متغیر واسطه و در تعامل با دیگر عوامل مهم در ایجاد تمایلات جنگ طلبانه است. از نظر وی دمکراسی همواره موجب صلح نیست. به علاوه، سالیکن معتقد است تنها زمانی می‌توان انتظار سطوح بالایی از همکاری را داشت که ائتلافات بین‌الملل‌گرا در سراسر یک منطقه گسترش یابد. زمانی که ائتلافات دولت‌گرا - ملت‌گرا - اقرارگرا*** رو در رو گردند، همگونی صلح را تسهیل نمی‌کند (صص ۱۲، ۷۸-۶۴ و ۸۷). در مقابل، ورت معتقد است که همگونی**** منبع مهم صلح است. دولتهای دارای رژیم هممنوع، تمایل به جنگیدن با هممنوع خود را ندارند، به این سبب که آنها تقریباً هیچ چیزی [هیچ بهانه‌ای] برای جنگیدن ندارند. از نظر ورت، صلح

* Democratization

** Internationalist Coalitions

*** Statist - nationalist - Confessionalist

**** homogeneity

الیگارشیکی نیز به اندازه صلح دمکراتیک متداول است.^(۱۰)

اوئن تقریباً در حد وسط موضع سالینگن و ورت قرار می‌گیرد. همچون ورت، اوئن معتقد است که ترجیحات سیاست خارجی دولتهای دمکراتیک، و نتایج جنگ و صلح، می‌تواند با روشها و شیوه‌های سیاستگذاران خارجی که نوع رژیم دولتهای دیگر را تدوین می‌کنند، ترسیم گردد: «مردم به طور قوی، در صورتی که سیستم حکومتی دولت خارجی مورد ترجیح آنها باشد، به طرفداری از دولت خارجی می‌پردازند.» (ص ۲۲). لیبرالها به دولتهای مشابه و هم‌نوع خود منافع اعطا می‌نمایند، بنابراین تعارضهای بین این دولتها (دولتهای لیبرال) به جنگ منتهی نمی‌شود. مغایر با ورت، اوئن بر این موضوع که صلح لیبرال یک قانون جبری و حتمی نیست یا فشاری می‌کند (ص ۹). او بیان می‌کند که صلح لیبرال - زمانی که لیبرالها تمامیت سرزمینی دولتهای لیبرال رقیب را تهدید می‌کنند - می‌تواند مورد مخاطره قرار گیرد.

اوئن در مطالعات موردی خود ده نمونه از بحرانهای دیپلماتیک بین ایالات متحده و دولتهای خارجی را استخراج می‌کند. اوئن آشکار می‌سازد که برخی از لیبرالهای مکزیکی، لیبرالهای شیلیایی و جمهوری خواهان اسپانیا در سالهای ۱۸۷۳ و ۱۸۹۶ به جنگ با ایالات متحده، اگرچه آنها آن دولت را یک "جمهوری هم‌نوع" می‌پنداشتند، شود. از نظر اوئن، بنابراین نوع و سازگاری، رژیمها همواره باعث حفظ صلح نمی‌شود، بویژه زمانی که تمامیت حکومتی مورد تهدید قرار گیرد و ترس و وحشت مستولی گردد (ص ۲۲۹). به علاوه، تئوری اوئن حاوی پیش‌بینی یک جهان لیبرال آرمانی نیست. در حالی که ورت کتاب خود را با این حکم که «جهانی از دمکراسیها، جهانی همراه با "صلح جهانی" خواهد بود»، خاتمه می‌دهد. (ص ۲۹۶). اوئن مطالعه خود را با این ادعا به پایان می‌رساند که «لیبرالیسم یک راه حل نهایی نیست و صلح پایدار، مدل از کار افتاده است.» (ص ۲۳۵).

این کتابها در ویژگیهای دیگرشان و نیز در ارتباط موضوعی مشترکشان از بحث صلح دمکراتیک حاوی مشابهتهایی هستند. اول، هر سه محقق معتقدند که موضوعات سیاسی داخلی - نه سیاستهای خارجی و نه تعامل استراتژیک بین دولتها - را نمی‌توان بدون "گشوده شدن جعبه سیاه دولتها" فهمید. حتی سالینگن که نسبت به صلح

دمکراتیک تردید دارد، به تحلیل سه سطحی* کشیده نمی‌شود. کتاب او نشان می‌دهد که منتقدان بحث صلح دمکراتیک صرفاً نئورئالیست‌ها نیستند.^(۱۱) این منتقدان (نئورئالیست‌ها) نوعاً معتقدند که توزیع قدرت، شاخص خوبی برای پیش‌بینی این احتمال است که تعارضهای بین‌المللی ممکن است به طور صلح‌آمیز حل و فصل شود. کتاب سالینگن دال بر این است که تئوری صلح دمکراتیک می‌تواند با فضای داخلی خود یعنی سطح داخلی تحلیل مورد چالش قرار گیرد. سالینگن معتقد است که تئوری صلح دمکراتیک رضایت‌بخش نیست؛ نه به علت تهدیدات بین‌المللی یا اهمیت اساسی قدرت بلکه به سبب اینکه این تئوری راهنمای غیرمطمئنی برای ریشه‌های داخلی خط‌مشی امنیت خارجی است.^(۱۲)

دوم، کتابهای اوئن و ورت از دوره‌های قبل از جنگ سرد بحث می‌کنند. اخیراً، منتقدان مباحث صلح دمکراتیک معتقدند که این پدیده یک حالت مخصوص به خود و یگانه‌نجار** دارد و می‌تواند، به علت وجود منافع مشترک در میان دموکراسیها، صرفاً دوره جنگ سرد مصداق داشته باشد.^(۱۳) به طور بحث‌انگیز، هم اوئن و هم ورت، صراحتاً می‌ورزند که صلح در میان دموکراسیها (از نظر ورت) و لیبرالها (از نظر اوئن) محدود به دوره‌های اخیر نیست. از نظر ورت، این پدیده تا قدیمی‌ترین دوره‌های تاریخ امتداد می‌یابد. او می‌گوید: ارتباط بین دموکراسی و صلح دایمی امر جدیدی نیست و از نظر اوئن قدمت آن به زمانی می‌رسد که مردم، خود نهادهای دولشان را به صورت لیبرال مشخص و تعریف کرد.

سوم، هر سه کتاب از دوگانه‌های تئوری صلح دمکراتیک و نه از تک‌گونه*** آن صحبت می‌کنند. علی‌رغم حمایت‌های اخیر از پدیده تک‌گونه یا ذره‌ای صلح دمکراتیک (مثلاً این گزاره که دموکراسی بیشتر صلح‌آمیز و همکارانه عمل می‌کند، بدون توجه به نوع رژیم دولت مقابل)، نه ورت و نه اوئن به این نتیجه نمی‌رسند. سالینگن، انتقاد خود را به متغیر دوگانه‌ای صلح دمکراتیک و به تئوریهایی که به تشریح این حکم تجربی می‌پردازند، متوجه می‌سازد.

* Third - image analysis

** Idiosyncratic

*** Monadic

چهارم، این نویسندگان، دمکراسی و لیبرالیسم را به مثابه مفاهیم زمینه‌ای* تاریخی در نظر می‌گیرند. به جای تعریف واقعی دمکراسی، هم اوئن و هم ورت ترجیح می‌دهند که بر این موضوع متمرکز شوند که تصمیم‌گیرندگان، چگونه رژیم خود و نیز رژیم دولتهای خارجی را در یک زمان خاص طبقه‌بندی کرده‌اند و چه تلقی‌ای از آنها داشته‌اند (اوئن، صص ۱۵-۱۲ و ورت، صص ۱۷، ۲۰، ۱۳۲ و ۱۳۷). اوئن و ورت هر دو از مفاهیم دمکراسی و لیبرالیسم به گونه‌ای صحبت می‌نمایند که دارای معانی مختلف در طول سده‌ها و فرهنگهای گوناگون هستند. از نظر هر دو مؤلف آنچه حائز اهمیت است، درک و پنداشت از این مفاهیم در طول زمانها و فرهنگهای گوناگون است و نه تعریف دلخواه پژوهشگر از این مفاهیم. [از این رو] با ردّ این بینش که مفاهیمی همچون دمکراسی و لیبرالیسم در طول زمان و مکان بار معانی ثابت و هم ارزی دارند، اوئن و ورت به مورخان بین‌المللی نزدیکتر می‌شوند که نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل را به دلیل انکار تغییر مفاهیمی همچون "دمکراسی"، "موازنه" و "بازدارندگی" در طول زمان مورد انتقاد قرار می‌دهند. (۱۴)

بالاخره، مطالعات موردی هر سه نویسنده، برخلاف بسیاری از آثار اخیر که هم از فرضیه صلح دمکراتیک حمایت کرده و هم آن را مورد چالش قرار می‌دهند، کیفی هستند، و از روش اختلاف و توافق، برهان خلف**، روش سنخیت*** و پیگیری فرآیند**** استفاده می‌کنند. (۱۵) طرفداران صلح دمکراتیک، بویژه به تحلیلهای کیفی به دیده شک می‌نگرند. نظریه‌پردازان کمی صلح دمکراتیک با این امر که تعابیر و تفاسیر تاریخی مشروح از پیامدهای مصادیق ویژه بتواند با تئوری عمومی مرتبط باشد، مخالف هستند. آنها (نظریه‌پردازان کمی صلح دمکراتیک) نسبت به این امر که رهیافت مطالعه موردی می‌تواند به تشریح مصادیق پدیده صلح دمکراتیک کمک کند نظر مساعدی دارند، ولی با این حال آنها مصرّند که مطالعات موردی را نمی‌توان در ارزیابی این موضوع مورد استفاده قرار داد که تنها تمایلات و الگوهای احتمالی رفتار بین دولتها را در یک دوره زمانی بلندمدت - و نه سیاستهای خارجی فردی - تشریح کند. به عنوان مثال دیوید

* Contextual

** Counterfactual reasoning

*** Congruence method

**** Process Tracing

روسو* و همفکرانش معتقدند ضمن اینکه استفاده از مطالعات موردی کدام منبسی در تلاش در فهم کامل ریشه‌های صلح دمکراتیک است، اما ارزیابی تعداد بسیار محدودی از مصادیق نمی‌تواند به طور قاطع بحث احتمال‌گرایی** را رد کند. این کتابهای مرور شده در اینجا از این حیث دارای ویژگی مشابهی نیستند. (۱۶) مطالعات موردی در ایجاد و همچنین آزمایش تئوریهای صلح دمکراتیک مورد استفاده قرار گرفته است. (۱۷)

تئوری و سند

بسیاری از جنبه‌های این سه کتاب به طور وسیعی بازتاب شیوه‌های مطلوب و نیز شیوه‌های نامطلوبی هستند که محققان روابط بین‌الملل در آنها تئوری و سند را مورد استفاده قرار می‌دهند و کنار یکدیگر می‌گذارند. کتاب "جنگ هرگز" شاید خوش برخوردترین اثر در باره صلح دمکراتیک باشد. نثر دلکش و جالب ورت و توانایی فوق‌العاده او در آمیختن داستان با تئوری، این کتاب را بدل به یک کتاب مهم و مرجع می‌سازد. حجم این کتاب، پژوهش تجربی مناسبی از این قضیه را ارائه می‌دهد که جمهوریه‌ها وارد جنگ با هموعان خودشان نمی‌شوند. ورت یک فصل از کتاب خود را بر پایداری و صلح‌آمیزی اتحاد جمهوریه‌ها اختصاص می‌دهد (صص ۲۶۹-۲۴۴)، اما هدف اصلی او نشان دادن این است که چگونه تفسیر هنجاری و فرهنگی او از صلح دمکراتیک - دمکراتیک و الیگارشیک - الیگارشیک مقدم بر دیگر رهیافتهای صلح دمکراتیک مانند رهیافت "انتخاب عقلانی نهادگرایی" است (صص ۱۴، ۴۴-۴۳).

بحث ورت از اتحادیه‌های دمکراتیک، سازگار با تلاشهای اخیر در جهت بسط و گسترش موضوع صلح دمکراتیک، با پوشش میزان وسیعی از اثبات و تجربه (مثل بلندمدتی و دامنه‌دار بودن اتحادیه‌ها، پیروزی در جنگها و حل و فصل مشاجرات و مناقشات در یک جنگ تمام عیار)، است. این‌گونه بسط دادن فهرست متغیرهای جدید وابسته در مورد صلح دمکراتیک ممکن است گواهی بر مسیر این جریان در مفهوم لاکاتوشی*** آن بوده باشد. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که برخی از محققان سعی در پیش‌بینی و اثبات حقایق جدید به طور ابتکاری کرده باشند؛ مثل اقامه متغیرهای "خارج

* David Rousseau

** Probabilistic

*** Lakatosian

از نمونه "که در جهت حمایت از موضوع صلح دموکراتیک انجام شده است ولی در بنای ذاتی و درونی تئوری مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.^(۱۸) ورت خود را مقید به کشف حقایق جدید نمی‌کند، در عوض او بخش بزرگی از کتابش را به طرح‌ریزی تئوری خویش از صلح دموکراتیک - دموکراتیک و الیگارشیک - الیگارشیک اختصاص می‌دهد. از نظر وی، رهبران جمهوریه‌ها به پذیرش عقاید و رویه‌های مباحث عمومی، مدارا و تساهل در اختلاف عقاید سیاسی و تطبیق دایمی و استفاده آنها از شهروندان و مشارکت دادن آنها در قلمرو مباحث و مجادلات تمایل دارند و این امر به یک نتیجه غیرخوشونت‌بار و راه‌حلی رضایت‌بخش منجر می‌گردد (صص ۱۶-۱۵، ۹۱-۹۰، ۱۰۵-۱۰۴، ۲۶۹-۲۶۷ و ۲۹۵-۲۹۳).

طرفداران صلح دموکراتیک ممکن است اصرار ورت بر پربهادادن به بحث فرهنگی را آنچنان که باید قبول نکنند. این ادعا از بیراهه پژوهش جاری در مورد صلح دموکراتیک به جریان افتاده است و سرانجام به سوی "انتخاب عقلانی" سوق می‌یابد. بسیاری از مدافعان صلح دموکراتیک، امروزه اظهار می‌کنند که این یافته (رویکرد فرهنگی) از الزامات هنجاری راجع به اینکه تعارضهای سیاسی چگونه باید حل و فصل شوند، ناشی نمی‌شود. در عوض، از رهگذر هدف اصلی رهبران انتخابی در باقی ماندن بر مسند قدرت و تأثیر منفی شکست در یک جنگ بر چشم‌اندازهای انتخاب مجدد آنها و یا از طریق اینکه چگونه بسیاری از نهادهای دموکراتیک شفاف که با وتوی مضاعف* بر صلاح‌دید مجریه تأثیر می‌گذارند، باعث می‌شود که رهبران دموکراتیک به شرایط سیاست خارجی سخت*** تن در دهند.^(۱۹)

مسلماً، کتاب ورت به اقامه موارد تاریخی در تأیید تئوری هنجاری صلح دموکراتیک اقدام می‌نماید. این کتاب مصادیقی از یونان باستان، سوئیس قرن ۱۴، ایتالیای دوره رنسانس، روابط خارجی ایالات متحده در طی قرون ۱۹ و ۲۰ و مواردی از این قبیل را در برمی‌گیرد. او معتقد است که مطالعات موردی کتابش تعارضهایی را بین شبه دموکراسیهایی**** که به جنگ نزدیک شده‌اند، به معرض آزمون می‌گذارد و نیز اینکه به قول وی حتی این رویدادهای تاریخی جزئی نیز معنادار هستند. به طور کنایه‌آمیز، شکاکان صلح دموکراتیک به سبب استفاده از این استراتژی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به

* Out of Sample

** multiple - veto

*** hard-line

**** near-democracies

طور مثال ارزیابی لاین* از مصادیق حاشیه‌ای که رژیم‌های شبه‌دموکراتیک را دربر می‌گیرد به دلیل تمرکز آن بر دموکراسیهای ماقبل مدرن مورد انتقاد قرار گرفته است.^(۲۰) دیباچه کتاب مدعی است که مرز بین تاریخ و علوم سیاسی را مورد تهاجم قرار داده و از روایت تاریخی به مثابه روش این کتاب استفاده کرده است. ورت بعداً اظهار می‌دارد که مطالعه او نخستین حمله به موضوع صلح دموکراتیک، به طور جامع از جایگاه تاریخی است (ص ۱۶). به طور قطع مثل دیگر مورخان بین‌المللی، ورت بر رویدادهای سیاسی بزرگ، زمامداران و تعامل حکومت، متمرکز می‌گردد. "جنگ هرگز" کلاً راجع به سیاستها، دولت و جنگ است و ضمن اینکه مرجعی برای مورخان بین‌المللی خواهد بود،^(۲۱) همانندی کمی با آثار مورخان نظامی و دیپلماتیک سنت‌گرا دارد.

در حقیقت مورخان بین‌المللی ممکن است به کتاب "جنگ هرگز"، در همان شیوه‌ای که آنها ممکن است به متون علوم سیاسی به دلیل استفاده از تاریخ برای ایجاد و آزمایش تئوریهای عمومی ایراد بگیرند، خرده گیرند.^(۲۲) نخست، احتمالاً مورخان سنت‌گرا با تلاش ورت در تشریح رویدادها و فرآیندهای پیچیده تاریخی - همچون جنگ و صلح - با جمع کردن آنها تحت قانون فراگیر تاریخ موافق نباشند. هیچ یک از این مورخان احتمالاً تأکید ورت را مبنی بر اینکه مصادیق مورد مطالعه قیاسی هستند، تأیید نخواهند کرد؛ در صورتی که تئوری ورت ممکن است درخور مصادیق و دوره‌های زمانی ویژه‌ای باشد، مورخان بین‌المللی ممکن است با قیاسهای ورت در بلندمدت محتاطانه برخورد کنند.

دوم، بعید است که آنها تمایل او را به بحث از مصادیق، به صورت جدا و منفصل از تاریخ تکاملی بین‌المللی بپذیرند. مورخان نظامی و دیپلماتیک تمایل به فرض امکان کشف قانونمندیهای مستقل از توالی، دوره زمانی یا مکانی را جایز نمی‌دانند. آنها احتمالاً آن را عجیب و کنجکاوانه در خواهند یافت که ورت در فضای کمتر از ۲۰ صفحه از بحث جنگ داخلی آمریکا به ارزیابی یونان باستان و از آنجا به تحلیل جنگ بوئر و سپس به جنگ شوروی و چک در سال ۱۹۶۸ می‌پردازد.

سوم، مورخان بین‌المللی ممکن است از اینکه ورت تنها تعداد کمی از رویدادهای تاریخی را خوب تشریح می‌کند و از موارد بسیاری به صورت گذرا رد می‌شود، ناراحت شوند؛ زیرا تاریخ دارای مصادیق زیادی است، بنابراین شخص می‌تواند معمولاً چندین

* Layne

تعبیر موجه نما برای یک مصداقِ گزینشی ارائه کند. به طور منطقی، به هر حال، یک تفسیر ساده و تنها که همه مصادیق را تحت پوشش خود قرار دهد، قابل ترجیح است. (۲۳) مورخان بین‌المللی تفاسیر کامل از "مصادیق انفرادی" را بر ارائه "تئوری بزرگ" * - که شاخصهای اساسی مصادیق فراوانی را تنها با کمی از فاکتورهای علی توضیح داده‌اند - ترجیح می‌دهند.

بالاخره، مورخان بین‌المللی با ورت موافق نخواهند بود که فقط یک عامل - فرهنگ سیاسی - علت عمده همکاری و تعارض بین‌المللی باشد. اگرچه ورت در پاره‌ای موارد اذعان می‌کند که جنگ و صلح علل متعددی دارند (صص ۳۲، ۹۸، ۱۱۴، ۱۵۳ و ۱۸۵)، ولی مصادیق مورد مطالعه او این عقیده را ترویج می‌دهد که سازگاری و ناسازگاری الگوی رژیم، عنصر قطعی صرف در تشریح این پیامدها است. مورخان بین‌المللی احتمالاً برخوردهای فرهنگی را صرفاً به صورت متعامل با بسیاری از عوامل دیگر در نظر می‌گیرند. در حقیقت برخوردهای فرهنگی از نظر این مورخان نه به صورت علل بلکه به صورت شرایط روا دارنده در نظر گرفته می‌شود. استفاده از قوه قهریه - زمانی که دولتها از ترتیبات داخلی یکدیگر واهمه داشته باشند - ممکن است یک بدیل سیاست خارجی فرض شود، اما ریشه تعارضها در وهله نخست کمتر به فرهنگهای سیاسی ناسازگار مربوط می‌گردد. (۲۴)

مسئله دیگر به شیوه‌هایی مربوط است که ورت برای حمایت از تئوری خود، سند می‌آورد. کتاب او تلاش مؤثری است برای حمایت از این قضیه علمی خویش که دمکراسیها به جنگ علیه یکدیگر مبادرت نمی‌ورزند. در کتاب "جنگ هرگز" حل و رفع خلاف قاعده ** به سطحی از هنر ارتقا می‌یابد. (۲۵) ورت ادعا می‌کند که همه مصادیق اظهار شده راجع به دمکراسیهایی که با یکدیگر جنگ کرده‌اند به طور واقعی به هیچ وجه خلاف قاعده نیستند؛ به این دلیل که در این موارد دست‌کم یکی از این دولتهای درگیر در جنگ به طور کامل دمکراتیک نبوده و یا خود تعارض به طور واقعی یک جنگ نبوده‌است، و یا رهبران دمکراتیک در آن حال، دولت دیگر را به صورت شریک و رفیق دمکرات تشخیص نداده‌اند. اصرار او مبنی بر اینکه مطلقاً هیچ نوع خلاف قاعده در این قضیه که دمکراسیها به جنگ با یکدیگر نمی‌پردازند، وجود ندارد باعث می‌شود که او

* grand theory

** anomaly

تواند هر مصداقی را یک به یک رمزگذاری نموده و بنابراین باعث تزلزل ثوری او می‌شود.

با وجود این اندکی از نمونه‌های اثباتی وی، اجباری به نظر می‌رسد. تهاجم فرانسه به روهر در سال ۱۹۲۳ را در نظر بگیرید. مطابق با نظر ورت، این بحران بین فرانسه و آلمان به این علت به صورت صلح آمیز حل نشد که آلمان به طور واقعی در آن زمان الیگارشی بود و فرانسه، آلمان را به مثابه یک دولت اقتدارگرا می‌پنداشت (صص ۱۷۱-۱۶۴). خواننده چنین احساس می‌کند که اگر فرضاً فرانسه به روهر هجوم نمی‌برد، ورت برای توجیه آن [به همین سادگی به قانون اساسی وایمار، حکومت پارلمانی آلمان، و رضایت کلی از تشریح اینکه چرا صلح غالب شد، متوسل می‌گشت.

مصادیق دیگر در کتاب جنگ هرگز مورد تردید است. در موقعیتهای مختلف، به طور مثال، ورت بیان می‌کند که حتی زمانی که دموکراسیها در اتحادیه‌های خصومت آمیز شاخ به شاخ شده‌اند و حتی زمانی که نیروهای نظامی آنها با یکدیگر جنگیدند، یک اکراه و بی میلی نسبت به جنگ وجود داشته است (صص ۵۰ و ۵۳). ورت در صفحات ۲۶-۲۵ اصرار می‌ورزد که اگر چه آنتی‌ها و اسپارتنی‌های دموکراتیک بارها با یکدیگر جنگیده‌اند، ولی در حقیقت آنها "از روی احتیاط" و با "عزم" کمی با یکدیگر جنگیده‌اند: «در هفت سال مواجهه بین نیروهای نظامی و ناوگانهای آنها، تعداد تلفات کمتر از صد نفر بود... قابل ملاحظه است که چطور این رژیمهای دموکراتیک حتی پس از بسیج نیروهای نظامی مقتدر و قوی علیه یکدیگر به طور واقعی از خونریزی بیشتر اجتناب کرده‌اند». به هر حال، مدافعان صلح دموکراتیک یادآوری می‌کنند که شمارش تعداد تلفات نبرد یک "آسودگی آماری" است که نباید به تعیین خلاف قاعده‌ها استناد شود. (۲۶)

بالاخره ورت تمایل دارد به جستجوی اسنادی پردازد که فرضیه او را تأیید کنند؛ مذاکرات و تعاملات بین‌المللی‌ای را که مؤید فرضیه او هستند به طور مفصل تشریح می‌شود، ولی رویدادهایی که فرضیه او را تأیید نمی‌نمایند با جزئیات کمی شرح می‌شود (به طور مثال، ورت از روی بیش از ۴۰ مورد رویارویی بین دولتهای جمهوری هم‌نوع در

* cautiously

** determination

*** statistical convenience

یک ضمیمه ۲۱ صفحه‌ای رد می‌شود). به طور قطع بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌المللی مرتکب منبع‌تراشی* می‌گردند (غارث منابع تاریخی و گزینش آنها برای حمایت از فرضیه‌های خاص). اما منبع‌تراشی ورت با کینه‌جویی همراه است: ورت در ذکر هر حقیقت فراموش می‌کند که ممکن است آن حقیقت مؤید ثنوریهای جایگزین دیگر بوده باشد. همچنانکه استیفان ام. والت** می‌گوید: «بحث ورت از منابع تاریخی بسختی بی‌طرفانه است».^(۲۷)

به طور مثال، در ارزیابی از روابط انگلیس - آمریکا متعاقب جنگ ۱۸۱۲، ورت بیان می‌کند که پنداشتهای*** آنها از همگونی و خویشاوندی نوع رژیم هر آنچه را که در مورد اینکه چرا ایالات متحده و بریتانیا از جنگ بر سر قلمرو ارگون**** احتراز کردند، لازم است، را توضیح می‌دهد (ص ۲۱۳): «احتمالاً بهترین شیوه برای طبقه‌بندی بحران ارگون، قلمدادکردن آن به صورت مواجهه‌ای است، بین رهبرانی که گرایش الیگارشیک داشتند. در هر دو کشور، برخی از مردم تفکر جنگ را رد کردند، به این سبب که آنها این همگونی و خویشاوندی سیاسی را احساس می‌کردند». احتمالاً ورت هیچ منطقی ارائه نمی‌دهد که براساس آن به این بحث او، بیشتر از ملاحظات دیگری که تلقیات نوع رژیم و ایدئولوژی را بی‌ربط می‌دانند، معتقد باشیم. در حقیقت، ورت مبادرت به تشریح بخشی از روابط انگلیس و آمریکا می‌کند؛ آن هم فقط بخش کوچکی از آن را.^(۲۸)

در کتاب "صلح لیبرال، جنگ لیبرال"، اوئن با تفسیر ورت رودرو قرار می‌گیرد. بیشتر از مبارزه‌طلبی تفسیر فرهنگی - هنجاری (تفسیر ورت) در مقابل تفسیر نهادی - ساختاری، اوئن معتقد است که هر دوی این تفاسیر به موازات هم عمل می‌کنند و لازم هستند (صص ۱۰، ۵۷-۵۶). اهمیت ایده‌های لیبرال این است که نهادهای لیبرال برای به تحقق رساندن این ایده‌ها دست به کار می‌شوند. همچنین، اوئن (صص ۱۴-۱۳) رهیافت بی‌طرفانه‌تری را همراه با سند ارائه می‌دهد. اوئن بیان می‌کند همین که بخواهیم اهمیت پنداشتهای***** را تشخیص دهیم و از تعاریف مطلق و دلبخواهانه لیبرالیسم و دموکراسی پرهیزیم، مهمترین خلاف قاعده‌های بالقوه***** می‌تواند به‌کنار گذاشته شود.

* source mining

*** Perceptions

***** Perceptions

** Stephen M. Walt

**** Oregon

***** Potential anomalies

بنابراین آنچه که نمونه‌هایی از جنگ دموکراسیها با یکدیگر به نظر می‌رسد، ضدنمونه‌های ناب* نیست؛ تقریباً در همه این بحرانها (بحرانهای بین دموکراسیها)، نخبگان لیبرال از یک طرف یا دو طرف درگیر، نظام سیاسی** طرف دیگر را به مثابه لیبرال نپنداشته‌اند. همچنین اوئن به طور صریح مقتضیاتی را مطرح می‌کند که تحت آن اوضاع و مقتضیات صلح لیبرال نقض شده‌است. او برخی از مصادیق تاریخی را از این حیث کاملاً قبول می‌کند، بویژه مواردی که لیبرالها با فشارهای افراطی برای تمامیت ملی‌شان مواجه شده‌اند. این موارد، در واقع هشدار به آنهایی است که از "قانون" صلح لیبرال بحث می‌کنند. (صص ۲۳۲-۲۳۱).

اوئن، گاه نفوذ دیدگاه داخلی را بر تفکر سیاست خارجی بسیار زیاد به حساب می‌آورد. به طور مثال، این حقیقت که فدرالیستهای آمریکایی (آنهایی که از نهادهای داخلی فرانسه تنفر داشتند) تحت فشار و اجبار جمهوری خواهان کنگره (آنهایی که یک نوع خویشاوندی و همگونی با رژیم فرانسه احساس می‌کردند) بودند، به طور کل توضیح نمی‌دهد که چرا از تعارض و جنگ بین ایالات متحده و فرانسه در طی دهه ۱۷۹۰ جلوگیری به عمل آمد. بیشتر از تمرکز بر اینکه چگونه همبستگی*** جمهوری خواهان مانع از یک جنگ تمام عیار (با فرانسه) شد، بهتر است به این نکته توجه داشته باشیم که چگونه رؤسای جمهور سابق آمریکا سمت خودشان را تعریف می‌نمودند. آنها برای کنگره احترام زیادی قایل بودند و برخلاف رؤسای جمهور کنونی، مایل نبودند که قدرت زیادی برای خود مطالبه کنند.

به طور مشخص، قوای مجریه سابق آمریکا، قانون اساسی را بدین صورت تفسیر می‌کردند که آن فقط حق جنگ را به کنگره اعطا می‌کند. اگر به سبب این عقاید راجع به حوزه قدرت و اختیار جنگ ریاست جمهوری نبود، ممکن بود شبه جنگی (جنگ با انگلیس) پیش از یک برخورد دریایی صرف صورت بگیرد. به طور مشابه، نگرانی و دغدغه‌های نخبگان انگلیسی و آمریکایی از حکومت یکدیگر، پویاییهایی را که به جنگ ۱۸۱۲ منجر شد به طور کامل توضیح نمی‌دهد. فدرالیستها از تعهدات معاهده انگلیس صرف نظر کردند و سوءاستفاده‌های آنها از روابط بازرگانی با ایالات متحده را نادیده

* genuine counterexample

** Polity

*** Solidarity

گرفتند، نه تنها به این دلیل که آنها با مونارشی بریتانیا یکی و همگرا شدند، بلکه به این خاطر که آنها وفاداری به بریتانیا را برای تقویت اقتصادی و تأمین بقای ملی آمریکا ضروری دیدند. برعکس جفرسونی‌ها، به بریتانیا به مثابه دشمن می‌نگریستند؛ نه صرفاً به دلیل عقاید سیاسی خود بلکه به این سبب که مقررات و رویه‌های تجاری بریتانیا را برای بقای جمهوری جوان و تازه تأسیس خود (آمریکا) خصومت‌آمیز و مضر می‌پنداشتند. علی‌رغم گفته اوئن مبنی بر اینکه جمهوری خواهان جفرسونی در طول سالهای متمادی تمایل زیادی به جنگ با بریتانیا نشان می‌دادند، آنها به جنگ با بریتانیا به صورت گزینه‌ای در آخرین مرتبه می‌نگریستند. جمهوری خواهان هم ممکن بود در صورتی به جنگ با بریتانیا تمایل نشان دهند که روابط تجاری و بازرگانی ایالات متحده فقط از این طریق بریتانیا را مجبور می‌کرد که به رویه‌های تجاری تبعیض‌آمیز خود خاتمه دهد. (۲۹)

همچنین در مطالعات موردی اوئن این حقیقت برجسته است که لیبرالهای غیرآمریکایی، اغلب از نوع رژیم به مثابه معیاری برای در نظر گرفتن اینکه آیا دولتی دیگر آنها را تهدید می‌کند، استفاده نکرده‌اند (رفتار بریتانیا طی جنگ داخلی آمریکا، یک استثنای قابل توجه است؛ نگاه کنید به صص ۱۹۷-۱۹۴). به طور مثال، لیبرالها در شیلی، اسپانیا و مکزیک گزینه‌های سیاست خارجی خود را بر مبنای ملاحظات سیاست واقعی* انتخاب کرده‌اند. با تأیید خود اوئن، هویت امور سیاسی** معیار چندان خوبی برای تشریح رفتار دولتها نیست. چرا خارج از بافت آمریکایی لغزش و انحراف از این تئوری زیاد است؟

این گفته نیز حقیقت دارد که برخلاف دوره‌های آغازین ایالتی***، در بیشتر دوره‌های اخیر، ایالات متحده، خیلی کم، دولتها را بر اساس نهادهای سیاسی داخلیشان مورد قضاوت قرار داده‌است. در دوره جنگ سرد، نوع رژیم**** طرح مفیدی برای مشخص کردن ایستارهای آمریکا نسبت به دولتهای خارجی نبود. قضاوت سیاستگذاران خارجی ایالات متحده نسبت به دولتهای خارجی بر این اساس نبود که آیا آنها بیشتر دمکراتیک هستند یا کمتر، بلکه بیشتر بر این اساس بود که آیا آنها پیوندهای نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی دارند یا نه و همچنین بر این اساس که آیا خط‌مشیهای اقتصادی آنها

* Real Politic

** Identity Politics

*** statehood

**** Regime Type

همسویی بیشتری با منافع اقتصادی آمریکا دارد یا کمتر. (۳۰)

اوئن کتاب خود را با بحث مختصری از مناسبات دوجانبه بین هند و پاکستان، ژاپن و کره جنوبی خاتمه می‌دهد (با در نظر گرفتن تمرکز کتاب بر سیاستهای آمریکا و امنیت بین‌المللی، این بحث هم غیر ضروری و هم انحراف از موضوع).

در کتاب "نظمهای منطقه‌ای در آغاز قرن"، سالینگن تفسیر جدیدی از تعارض و همکاری منطقه‌ای ارائه می‌دهد. او معتقد است که برای ائتلافات سیاسی، شایسته است که از آزادسازی اقتصاد داخلی برای دنبال کردن همکاریهای منطقه‌ای طرفداری کنند. زیرا سیاستهای خارجی معتدل و میانه‌رو، منابع داخلی را آزاد می‌گذارند و بیشتر، ضامن حمایت بین‌المللی در شکل دسترسی به بازارهای جهانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند. با وجود این، ائتلافات اقراری دولت‌گرا - ملت‌گرا* انگیزه کمتری برای عملکرد مسالمت‌آمیز دارند، زیرا استراتژیهای منطقه‌ای همکاری‌جویانه، منابع حمایت داخلی‌شان را تحلیل می‌برد.

بحث ائتلاف داخلی سالینگن، در نقطه مقابل رهیافتهای رقیب مثل تئوری صلح دموکراتیک، نوواقع‌گرایی، تئوری نظامهای جهانی و نهادگرایی نولیبیرال قرار می‌گیرد. ولی علی‌رغم تشخیص تمایز بین رهیافت او و تفاسیر جایگزین دیگر، او خود بیان می‌کند که تئوری‌اش تنها شیوه تشریح نظمهای منطقه‌ای نیست. برخلاف "جنگ هرگز"، کتاب سالینگن از نوع "من برنده‌ام، شما بازنده" ** نیست. تئوری خانم سالینگن به معنای کوبیدن و از رده خارج کردن تئوریهای دیگر نیست. به طور مثال، درحالی که بحث ائتلافی سالینگن بر شالوده [رهیافت] انتخاب عقلانی *** بنا می‌شود، اما، باعث مخالفت او با رهیافت تکوین‌گرایی **** نمی‌گردد. او معتقد است که بی‌نظمی ***** مشخص‌کننده یک جهان تعارض‌آمیز نیست؛ بی‌نظمی آن چیزی است که ائتلافات آن را ایجاد می‌کند. حتی یک ائتلاف بین‌الملل‌گرا ***** ممکن است مجبور به کنار گذاشتن استراتژیهای منطقه‌ای همکاری‌جویانه باشد. با تسامح مشابهی، سالینگن شرایطی را که ممکن است به تضعیف تئوری او منجر شود ذکر می‌نماید:

* Statist - Nationalist - Confessional Coalitions

** "I win, You lose"

*** rational choice

**** Constructivist approach

***** anarchy

***** Internationalist

به طور مشخص، یک چالش قوی می‌تواند در قالب دسته‌های قوی از ائتلافات بین‌الملل‌گرا که الگوی بالایی از تعامل رقابتی و نظامی‌گری را به نمایش می‌گذارند، رخ دهد. چالش قوی دیگر (به این تئوری) ممکن است از مشاهده یک الگوی همکاری جویانه پایدار، دامنه‌دار و شدید روابط منطقه‌ای بین ائتلافات دولت‌گرا - ملت‌گرا - اقراری رخ دهد. (ص ۸۹)

یکی از گفتارهای اساسی سالینگن ارائه یک سازوکار علی است که می‌تواند دلیل صلح میان دوگانه‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک باشد. به اعتقاد او ائتلافات بین‌الملل‌گرا که از آزادسازی اقتصادی در داخل طرفداری می‌کنند، ممکن است در غیر دموکراسیها نیز به وجود آید؛ تایوان و کره جنوبی در این مقوله قرار می‌گیرند. در نتیجه از نظری، غیردموکراسیها (کشورهای غیردموکراتیک) لولوه‌های غیرقابل اجتنابی نیستند که مفروضات [تئوری] "صلح دموکراتیک" آنها را به کنار می‌گذارد. به علاوه، کتاب شواهدی ارائه می‌دهد که ائتلافات دولت‌گرا - ملت‌گرا - اقراری که از کارسالیاری‌ها و بوروکراسیهای معطوف به داخل* طرفداری می‌نمایند، بیانگر این است که هیچ دولتی، چه دموکراتیک و چه غیردموکراتیک، از افسانه‌پردازی کارسالیاران سیاسی مدل گوبلز** ایمن نیستند.

از نظر سالینگن، همکاری منطقه‌ای ارتباط کمتری با نوع رژیم دارد تا با اینکه چه کسی در رژیم حکومت را در دست دارد. برخلاف ورت، سالینگن مطرح می‌کند که لزومی ندارد انطباق نزدیکی بین رفتار داخلی و خارجی وجود داشته باشد - یعنی دولتهای بد همواره در سطح وسیعی بد عمل نمی‌کنند، بلکه برعکس رهبران غیردموکراتیک ممکن است در سطح گسترده به طور مسالمت‌آمیز عمل نمایند، زیرا آنها ممکن است نگران رقبای داخلی خود باشند، نیروی نظامی آنها از کارایی لازم برای اقدام به جنگ برخوردار و بالاخره اینکه ممکن است کمکهای اقتصادی بین‌المللی جهت سرکوب رقبای سیاسی داخلی آنها اهمیت حیاتی داشته باشد. به وضوح، سازگاری و تطابق بین امور داخلی و بین‌المللی یک دولتها، قانون آهین تاریخ نیست که ورت بر آن پا می‌فشارد. (۳۱)

بالاخره سالینگن به تشریح اولویتهای سیاست خارجی و نتایج تعامل استراتژیک بین

* inward - looking enterprises

** Goebbels - Style

دولتها در طول زمانها و مکانها همچون آمریکای لاتین، خاورمیانه و شبه جزیره کره می‌پردازد. برعکس ورت، سالیگن ادعا نمی‌کند که یک روش تاریخی را به کار می‌برد، بنابراین باید انتظار داشته باشیم که برخی از ابعاد مصادیق او ممکن است از شبکه تئوریک متفرق و پراکنده او خارج شوند. بویژه که سالیگن به تألیف و تلفیق تنوعات و تفاوتها در سراسر مناطق تمایل نشان می‌دهد. به طور مثال، تعارض و جنگ در خاورمیانه که سالیگن آن را به وجود ائتلافات قوی دولت‌گرا - ملت‌گرا نسبت می‌دهد ممکن است یک مورد استثنایی باشد و همچنین دارای مجموعه‌ای از علل مختلف نیز بوده باشد.

به طور مثال، بنجامین میلر* معتقد است که تفاسیر سیاسی داخلی در شرح الگوی مناقشه و همکاری در خاورمیانه و یا اینکه چرا خاورمیانه بعد از سالهای ۱۹۴۵ بیشتر متمایل به جنگ بوده است، حرف زیادی برای گفتن ندارند. در عوض، میلر بر بی‌اعتباری مرزها، قدرتمندی ایدئولوژیهای تجدیدنظرطلب در منطقه و کم بودن دولتهای قوی تأکید می‌کند.^(۳۲) شواهد نشان می‌دهد که پیشرفت در مذاکرات کنترل تسلیحات چندجانبه که قطعاً مرتبط با خاتمه یافتن جنگ سرد است، پیروزی آمریکا در جنگ خلیج فارس که پرستیژ و قدرت دولتهای عرب میانه‌رو را تقویت نمود و ماهیت تهدیدات متصور جهان عرب را تغییر داد، در همکاریهای اخیر در منطقه مؤثر بوده‌اند؛ «منطق امنیت به سمت همکاریهای امنیتی چندجانبه منطقه‌ای تغییر یافته است».^(۳۳) علاوه بر آن، رفتار دولتها در این منطقه به این بستگی دارد که آیا همکاری به جایگاه منطقه‌ای آن دولت کمک می‌کند یا به آن صدمه می‌زند و یا به هویت‌های ملی نیز مرتبط است. به طور مشخص، سیاست خارجی مصر از نظر نگرانی آن دولت به از دست دادن جایگاه رهبری منطقه، بیشتر قابل توضیح است تا از نظر بحث ائتلافی (بحثی که سالیگن می‌کند).^(۳۴)

نتیجه: سرسختی و تسامح

نظریه پردازان روابط بین‌الملل اغلب به شواهد خلاف قاعده** به دلیل اینکه ممکن است تئوری‌شان را با مشکل مواجه سازد، توجه نشان نمی‌دهند و در عوض تمایل دارند

* Benjamin Miller

** anomalous

که تئوریهایشان را در مقابل اسناد و شواهدی که ممکن است حاکی از عدم اثبات آنها باشد، حمایت کنند. علی‌رغم این رویه عمومی، بسیاری از محققان چنین سرسختی* را روا نمی‌دانند. در واقع این زیرحوزه**، دو احساسی*** قابل ملاحظه‌ای را در گشودن گره از خلاف قاعده‌ها آشکار نموده است. اکثراً، پژوهشگران روابط بین‌الملل مقرر داشته‌اند که «همواره به این امکان که ممکن است مسئله‌ای خلاف و ناسازگار با قضیه‌های**** آنها باشد، گشوده باقی بمانند»، و آنها (پژوهشگران) از اهمیت پی‌ریزی تئوریهای ابطال‌پذیر***** صحبت می‌کنند. (۳۵) مقاومت و پایداری سند که یک تئوری را به تحلیل می‌برد غالباً به مثابه فقر علوم***** از آن یاد می‌شود، مخصوصاً آن جایی که محققان از سند و مدرک برای پشتیبانی تئوری‌شان استفاده می‌کنند، براحتی با استفاده از پرکردن خلأ تئوری با سند و یا به عکس با پرکردن خلأ سند با تئوری و سپس رنگ‌آمیزی آن به طوری که آن وصله‌های ناجور را از نظر مخفی نماید، تئوری‌شان را از خلاف قاعده‌ها پاک می‌کنند. تعصبات محققان آنها را رهنمون می‌سازد که مصادیقی را گزینش نمایند که تصدیق بخش تئوری آنها باشد و نیز آن مصادیقی را که تئوری‌شان را تضعیف می‌کند، دور اندازند. نتیجه، حرکات تدافعی بی‌پایان برای حمایت از تئوری مورد مدافعه‌شان با سند تردید‌آمیز***** است. (۳۶)

مطابق با این بینش، نظریه‌پردازان صلح دمکراتیک، غالباً به دلیل بی‌اعتنایی به ضدنمونه‌ها*****، و نیز به سبب ناتوانی در مشخص ساختن شرایطی که ممکن است باعث شود تئوریهای آنها غلط از آب در آید، مورد ایراد قرار گرفته‌اند. از نظر منتقدین، فقط تعداد کمی از پژوهشگران صلح دمکراتیک، اسنادی را در رد فرضیه‌های خود نشان می‌دهند. اگر سندی حاکی از اثبات فرضیه آنها باشد، فراگرفته می‌شود؛ و اگر سندی حاکی از ابطال باشد، به دور انداخته می‌شود. با ملاحظه مجموع پژوهش‌انباشتی***** درباره صلح دمکراتیک به طور اعم و کتابهای مورد بررسی در این نوشتار به طور اخص، به نظر می‌رسد که نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تلاش زیادی برای نجات و خلاص

* tenacity

*** ambivalence

***** Falsifiable

***** problematic

***** cumulative

** subfield

**** Premises

***** Poor Science

***** counterexamples

کردن تئوریهایشان انجام داده‌اند؛ زمانی که آن تئوریها در سازگاری با حقایق عاجز شده‌اند. به طور مثال، منتقدان، استثنائاتی از قاعده صلح دموکراتیک، مثل جنگ ۱۸۱۲، جنگ اسپانیا - آمریکا، جنگ جهانی اول و خاتمه روابط با متحدین طی جنگ جهانی دوم ارائه می‌دهند. نوعاً واکنش هواداران صلح دموکراتیک این بوده است که با روشن ساختن تعاریف مفهومی تئوری و مکانیزمهای علی، این خلاف قاعده‌های آشکار را بیوشانند. حمایت سرسختانه و لجوجانه از ادعاهای تئوریک مشخص درمقابل حقایق تلخ و سخت - اگر آن سرسختی به پیش‌بینی‌های نو و سرانجام اثبات شده منتهی گردد - ضرورتاً نباید نشانه‌ای از پژوهش بد و نامطلوب باشد. ولی این سرسختی نباید باعث سخت‌گیری و عدم تسامح برای آنهایی بشود که با آن موافق نیستند. محققان این حقیقت را که زیر حوزه ما تبدیل به یک حوزه گلا دیاتوری می‌شود تقبیح نموده‌اند؛ اما این استعاره کاملاً صحیحی نیست. ما بیشتر شبیه بوکسرها هستیم، [امروز] ضربات و لگدزنی‌های وحشیانه را تمرین می‌کنیم تا در فردای مبارزه زنده بمانیم. اگر چه این یک استعاره کمی مرگ‌آور است، اما متأسفانه چنین است. نمایش کوتاه‌بینی بدخلق و چموش تعدادی از واردشدگان در بحث درستی و حقانیت پدیده صلح دموکراتیک ترسناک است. شرکت‌کنندگان از هر دو طرف بحث (مخالفان و موافقان) ضروری است که اهمیت تأیید گفتمان مدنی* و تسامح متقابل را خاطر نشان سازند. خوشبختانه، کتابهای بررسی شده در اینجا امکان و مزایای تفکر وسیع برای پیشبرد و تقویت این مباحثه را فراهم می‌کند.

* civil discourse

یادداشتها:

- ۱- صلح لیبرال، جنگ لیبرال: سیاستهای آمریکا و امنیت بین‌المللی؛ نظمهای منطقه‌ای در آغاز قرن: نژادهای جهانی و داخلی بر استراتژی بزرگ؛ جنگ هرگز؛ چرا: دموکراسیها با یکدیگر نخواهند جنگید.
- 2- Jhon M. Owen IV, *Liberal Peace, Liberal War: American Politics and International Security*, (Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 1997), 246 pp.
- 3- William Earl Weeks, "New Directions in the Study of Early American Foreign Relations", *Diplomacy History* 17, No.1, (1993), pp.73-96;
 بحث فقدان پژوهش پیرامون سیاست خارجی آمریکا قبل از قرن ۲۰، جهت پیشنهاداتی برای پژوهش آینده نگاه کنید به:
- Emily S. Rosenberg, "A Call to Revolution: A Roundtable on Early U.S. Foreign Relations", *Diplomatic History* 22, No.1 (1998), pp. 63-70; Bradford Perkins, "Early American Foreign Relations: Opportunities and Challenges", *Diplomatic History* 22, No.1 (1998), pp. 115-120; and the special Symposium "Foreign Relations in the Early Republic: Essays from a SHEAR Symposium", *Journal of the Early Republic* 14 (1994), pp. 453-495.
- 4- Etel Solingen, *Regional Orders at Century's Down: Global and Domestic Influences on Grand Strategy*, (Princeton N.J.: Princeton University Press, 1998), 334 pp.
- 5- Spencer R. Weart, *Never at War: Why Democracies Will Not Fight One Another*, (New Haven, Conn.: Yale University Press, 1998), 424 pp.
- 6- Spencer R. Weart, *Op.Cit.*, pp. 2, 4, 176, 293.
- 7- *Ibid.*, p.8.
- 8- Etel Solingen, *Op.Cit.*, pp. 6-7, 281.
- 9- *Ibid.*, pp.154-157.
- ۱۰- برای مطالعه بیشتر درباره فاصله سیاسی و تأثیرات آن بر تعارض و همکاری منطقه‌ای نگاه کنید به:
 John R. Oneal and James Lee Ray, "New Tests of Democratic Peace: Controlling for Economic Interdependence", *Political Research Quarterly* 50, No.4 (1997), pp. 751-775;
 and Ido Oren and Jude Hayes, "Democracies May Rarely Fight one Another, but Developed Socialist States Rarely Fight at All", *Alternatives* 22, No.4 (1997), pp. 493-521.
- ۱۱- مباحث صلح دموکراتیک که بحث سطوح تحلیل را به میان کشیده‌اند، تئوریهای نئورئالیستی سه سطحی (third - image) را در مقابل تئوریهای صلح دموکراتیک دو سطحی (second - image) قرار داده‌اند. به عنوان مثال نگاه کنید به:
 Sean M. Lynn-Jones, "Preface" in Michael E. Brown, Sean M. Lynn-Jones, and Steven Miller, eds., *Debating the Democratic Peace* (Cambridge, Mass.: MIT Press, 1996), pp.

xi-xii.

۱۲- برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به:

Miriam Fendius Elman, "Introduction : The Need for a Qualitative Test of the Democratic Peace Theory", in Miriam Fendius Elman, ed., *Paths to Peace : Is Democracy the Answer?* (Cambridge, Mass. : MIT Press, 1997), pp.35-36.

۱۳- نگاه کنید به:

Joanne Gowa, *Baitots and Bullets : The Elusive Democratic Peace* (Princeton, N.J. : Princeton University Press, 1999).

- 14- Paul W. Schroeder, "History and International Relations Theory : Not Use or Abuse, but Fit or Misfit", *International Security* 22, No.1 (1997), p.72; and John Lewis Gaddis, "History, Theory, and Common Ground", *International Security* 22, No.1 (1997), pp.79-80.

من معتقدم که کتاب ورت از جهات دیگر انحراف بنیادی روشهای تشریحی مورخان نظامی و دیپلماتیک سنتی را آشکار می‌کند. به طور کنایه‌آمیز، اگر چه "جنگ هرگز" از سوی یک مورخ نوشته شده ولی بیشتر شبیه علوم سیاسی قابل مطالعه است.

۱۵- به منظور مطالعات کمی و مدل‌سازی صوری (Formal - Modeling) اخیر در حمایت از مفروضات صلح دمکراتیک، به عنوان مثال نگاه کنید به:

Brett Ashley Leeds and David R. Davis, "Beneath the Surface : Regime Type and International Interaction, 1953-78", *Journal of Peace Research* 36, No.1 (1999), pp.5-21; and Kenneth A. Schultz, "Do Democratic Institutions Constrain or Inform? Contrasting Two Institutional Perspectives on Democracy and War", *International Organization* 53, No.2 (1999), pp.233-266.

منتقدان صلح دمکراتیک بسیار بیشتر از مدافعان آن به روشهای کیفی متکی هستند. نگاه کنید به

Christopher Layne, "Kant or Cant : The Myth of Democratic Peace", in Brown, Lynn-Jones, and Miller, eds., *Debating the Democratic Peace*, pp.157-201; Susan Peterson, "How Democracies Differ : Public Opinion, State Structure, and the Lessons of the Fashoda Crisis", *Security Studies* 5, No.1 (1995), pp.3-37; Raymond Gohen, "Pacific Unions : A Reappraisal of the Theory that 'Democracies Do Not Go to War with Each Other'", *Review of International Studies* 20, No.3 (1994), pp.207-233; William R. Thompson, "Democracy and Peace : Putting the Cart Before the Horse?", *International Organization* 50, No.1 (1996), pp. 141-174; and Elman, *Paths to Peace*.

- 16- David L. Rousseau, Christopher Gelip, Dan Reiter, and Paul K. Huth, "Assessing the Dyadic Nature of the Democratic Peace, 1918-88", *American Political Science Review* 90, No.3 (1996), p.516. See also Bruce Russett and James Lee Ray, "Why the Democratic - Peace Proposition Lives", *Review of International Studies* 21, No.3 (1995), pp. 319, nn. 2, 322; and Eric Gartzke, "Review of *Paths to Peace : Is Democracy the Answer?*", *American Political Science Review* 93, No.2 (1999), p.481.

۱۷- برای آشنایی بیشتر با این موضوع که چرا تحلیل مطالعه موردی برای مطالعه صلح دموکراتیک مناسب است و نیز مباحث انتقادی در مقابل این روش، نگاه کنید به :

Elman, "Introduction" pp. 43-47, and Andrew Bennett and Alexander George. "An Alliance of Statistical and Case Study Methods : Research on the Interdemocratic Peace", *APSA-CP Newsletter* 9, No.1 (1998), pp. 6-9.

برای بحث کلی تر راجع به اینکه چگونه روشهای کیفی برای بسط و ارزیابی و پالایش تئوریها می تواند مورد استفاده قرار گیرد، نگاه کنید به :

Ronald Rogowski. "The Role of Theory and Anomaly in Social-Scientific Inference", *American Political Science Review* 89, No.2 (1995). pp. 467-470; Timothy J. McKeown, "Case Studies and the Statistical World View : Review of King, Keohane and Verba's "Designing Social Inquiry". *International Organization* 53, No.1 (1999), pp.161-190; and Andrew Bennett and Alexander George, *Case Studies and Theory Development* (Cambridge, Mass. : MIT Press, 1999).

18- D. Wade Hands. "Second Thoughts on 'Second Thoughts' : Reconsidering the Lakatosian Progress of the *General Theory*", *Review of the Political Economy* 2, No.1 (1990). pp.70-71.

با این وجود، شاید بسیاری از آثار راجع به صلح دموکراتیک حاوی پیش‌بینیهای تئوریک هستند. این گزارش در کتابهای "جنگ هرگز" و "صلح لیبرال، جنگ لیبرال" بخوبی دیده می‌شود. این کتابها در اصل بیشتر از تئوریهای صلح دموکراتی اسلافشان دارای محتوای تجربی زیادی هستند (یعنی پیش‌بینی انواع مختلفی از حقایق - فقدان غریب جنگ در میان دموکراسیها).

۱۹- برای فهم دیدگاههای دیگر نگاه کنید به :

James Lee Ray. *Democracy and International Conflict : An Evaluation of the Democratic Peace Proposition* (Columbia : University of South Carolina Press, 1995). pp.39-41; and Schultz. "Do Democratic Institutions Constrain or Inform?"

۲۰- نگاه کنید به :

Rousseau, Gelip, Reiter, and Huth. "Assessing the Dyadic Nature of the Democratic Peace, 1918-88", p.516.

۲۱- برای بحث گسترده راجع به تقلیل تاریخ نظامی و دیپلماتیک در حوزه‌های تاریخ ایالات متحده نگاه کنید به :

Stephen Haber, David M. Kennedy, and Stephen D. Krasner, "Brothers Under the Skin : Diplomatic History and International Relations", *International Security* 22, No.1 (1997). pp.34-43; and John A. Lynn, "The Embattled Future of Academic Military History". *The Journal of Military History* 61, No.4 (1997), pp. 777-789.

۲۲- بحث ریر از نوشته‌های کولین المان و میریام المان برداشت شده است. نگاه کنید به :

Bridges and Boundaries : Historians, Political Scientists, and the Study of International Relations (Cambridge, Mass. : MIT Press, 2000).

23- Spencer Weart. "Letter to the Editor", *Foreign Affairs* 78, No.3 (1999), p.161.

۲۴- برای بحث بیشتر از این دیدگاه نگاه کنید به :

Miriam Fendius Elman, "International History and the Democratic Peace", *The International History Review* 19, No.4 (1997), pp.877-878.

بیرامون شیوه‌های متفاوت دانشمندان سیاسی و مورخان در فهم نسبت علی و معلولی نگاه کنید به :

Colin Elman and Miriam Fendius Elman, "Introduction : Negotiating International History and Politics". in Elman and Elman, eds., *Bridges and Boundaries*.

۲۵- لاکاتوش ذکر می‌کند که فرمون‌بندی مجدد تئوریه‌ها علی‌رغم سند ناسازگار و حمایت سرسخانه از هسته مرکزی یک طرح پژوهش، مورد انتظار و شاید حتی مورد تحسین است. اما او تأکید دارد که چنین اصلاحات تئوریک بایستی توأم با پیش‌بینی‌های جدید، به طور اکتشافی یا زمانی باشد. نگاه کنید به
Imre Lakatos and Alan Musgrave, eds., *Criticism and the Growth of Knowledge* (Cambridge : Cambridge University Press, 1970), pp.91-196.

برای مباحث اخیر از کاربرد معیار ارزیابی لاکاتوش جهت ارزیابی و تشخیص پیشرفت تئوری روابط بین‌الملل نگاه کنید به :

Colin Elman and Miriam Fendius Elman, "Lakatos and Neorealism : A Reply to asquez", *American Political Science Review* 91, No.4 (1997), pp.923-926; Colin Elman and Miriam Fendius Elman, "Progress in International Relations Theory", Paper Prepared for the Conference "Progress in International Relations Theory", Scottsdale, Ariz., January 1999

برای یک تلاش بسیار خوب به منظور بازسازی صلح دموکراتیک به صورت یک برنامه پژوهشی علمی، نگاه کنید به :

James Lee Ray, "A Lakatosian View of the Democratic Peace Research Programme : Does it Falsify Realism (or Neorealism)?" Paper Prepared for the annual convention of the International Studies Association, Washington, D.C., February 1999.

به منظور بحث مغایر و مخالف مبسوط بر اینکه آیا نظریه (metatheory) لاکاتوش قالب مناسبی برای تفکر درباره پیشرفت علمی در روابط بین‌الملل نیست، نگاه کنید به :

Stephen M. Walt, "The Progressive Power of Realism", *American Political Science Review* 91, No.4 (1997), pp.931-935; and William R. Wohlforth, "Measuring Power - and the Power of Theories", in John A. Vasquez and Colin Elman, eds., *Realism and the Balancing of Power : A New Debate* (forthcoming).

26- Michael W. Doyle, "Reflections on the Liberal Peace and Its Critics", in Brown, Lynn-Jones, and Miller, eds., *Debating the Democratic Peace*, p.362.

27- Stephen M. Walt, "Never Say Never : Wishful Thinking on Democracy and War", *Foreign Affairs* 78, No.1 (1999), p.148.

۲۸- به منظور بحث مورد اورگون که شامل خویشاوندی نوع رژیم در زمره عوامل استراتژیک دیگر می‌باشد، نگاه کنید به :

Stephen R. Rock, "Anglo-U.S. relations, 1845-4930 : Did Shared Liberal Values and Democratic Institution Keep the Peace?" in Elman, ed., *Paths to Peace*, pp. 106-112.

همچنین نگاه کنید به :

Thompson, "Democracy and Peace", pp. 159-164.

۲۹- برای مطالعه بیشتر در این زمینه که چگونه رؤسای جمهور پیشین آمریکا اختیار جنگ قانون اساسی را تعبیر می‌کردند و چگونه این تفسیر به مرور زمان تغییر یافته است، نگاه کنید به :

Walter LaFeber, "The Constitution and United States Foreign Policy : An Interpretation". *Journal of American History* 74, No.3 (1987), pp.695-717.

به منظور بحث درباره اینکه چطور روابط انگلیس - آمریکا از ۱۷۸۷ تا ۱۸۱۲ بایستی در پشت پرده منافع بازرگانی - دریایی ایالات متحده، تلاشهایی در جهت شکست فشارهای بازرگانی بریتانیا و کوشش جفرسونی‌ها برای اجتناب از جنگ با انگلیس یا فرانسه مورد ملاحظه قرار گیرد، نگاه کنید به :

Mlada Bukovansky, "American Identity and Neutral Rights form Independence to the War of 1812". *International Organization* 51, No.2 (1997), pp.209-243; and James R. Sofka, "The Jeffersonian Idea of National Security : Commerce, the Atlantic Balance of Power, and the Barbary War, 1786-1805". *Diplomatic History* 21, No.4 (1997), pp.516-544.

۳۰- به طور مثال نگاه کنید به :

David P. Forsyth, "Democracy, War, and Covert Action", *Journal of Peace Research* 29, No.4 (1992), pp.385-395.

۳۱- برای آشنایی بیشتر در این خصوص که جهت‌گیریهای سیاست خارجی، میانرو یا رادیکال، به طور انحصاری مرتبط و همبسته با نوع معینی از رژیم نیست، نگاه کنید به :

Joe D. Hagan, "Domestic Political Systems and War Proneness" *Mershon International Studies Review* 38, Suppl. 2 (1994), pp.183-207; and Margaret G. Hermann and Charles W. Kegley, "Rethinking Democracy and International Peace : Perspectives from Political Psychology". *International Studies Quarterly* 39, No.4 (1995), pp. 511-533.

32- Benjamin Miller, "Explaining Regional War-Proneness", paper presented at the annual convention of the International Studies Association, Washington, D.C., February 1999.

33- Bruce W. Jentleson and Dalia Dassa Kaye, Security Status : Explaining Regional Security Cooperation and Its Limits in the Middle East", *Security Studies* 8, No.1 (1998), p.227.

34- Jentleson and Kaye, "Security Status", pp.229-235.

35- Richard Ned Lebow, "Social Science and History : Ranchers versus Farmers?" in Elman and Elman, eds., *Bridges and Boundaries*; and Gary King, Robert O. Keohane, and Sidney Verba. *Designing Social Inquiry* (Princeton, N.J. : Princeton University Press, 1994), p.19.

36- William C. Wohlforth, "A Certain Idea of Science : How International Relations Theory Avoids Reviewing the Cold War", in O. A. Wested, ed., *Reviewing the Cold War : Approaches, Interpretations, Theory* (manuscript, Georgetown University, 1998), p.20.